

نقش مسجد

در حیات علمی جامعه، تا قرن چهارم هجری

غلام حسن محرمی

مقدمه

مساجد، پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه، خانه خدا و محل ارتباط بندگان با خالقشان بود. مسلمانان در آنجا به عبادت خدا و راز و نیاز با او می پرداختند و تمام مسائل سیاسی و اجتماعی را در آنجا حل و فصل می کردند.

در کنار این کارکردها، تعلیم و تعلم نیز در این مکانها انجام می شد. تمدن اسلامی در عصری به شکوفایی رسید که مساجد، مهم ترین مراکز آموزش عالی در جهان اسلام بودند.

جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی

مسجد اسم مکان و به معنای محل سجده است.

این کلمه قبل از اسلام نیز رواج داشته است. پیش از اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله مسجدسازی را در مدینه شروع کند، خدای تعالی در سوره اسراء - که مکی است - واژه مسجد را درباره مسجد الحرام و مسجد الاقصی به کار برده است.^۱

مسجد، کلمه ای مأنوس در میان عربها بوده است و به مکانهای مذکور،

۱. اسراء/۱.

مسجد می گفته‌اند. در فرهنگ ادیان ابراهیمی، اماکن عبادی، نامی جز مسجد نداشته‌اند. بدین سبب، مسلمانان به مسجد الاقصی، حتی پیش از فتح شهر بیت المقدس و ورود مسلمانان به آن، مسجد می‌گفتند و پیوسته برای این محل در احادیث نبوی از نام مسجد، استفاده شده است. اهمیت و احترام این مکان، در شرع مقدس اسلام بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا بهترین و محبوب‌ترین قسمتهای زمین نزد خداست.

در تورات آمده است: «إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ، فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِي ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي وَحَقَّقَ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يَكْرِمَ الزَّائِرُ»^۱، مساجد، خانه‌های من در زمین هستند. خوشا به حال کسی که در خانه خود وضو گیرد، آن‌گاه در خانه من مرا زیارت کند و بر زیارت شده واجب است که زائر را احترام کند.

در حدیثی در این باره آمده است: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلًا عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ»^۲، کسی که به سوی مسجد، گام برمی‌دارد، بر هیچ قسمتی

از تر و خشک زمین پا نمی‌گذارد مگر اینکه تا هفت طبقه زمین، برای او تسبیح می‌گوید.

امام علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، يَسْمَعُ كَلِمَةً تَذِلُّ عَلَى هُدًى أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَزِدُّهُ عَنِ رَدِي أَوْ يَنْتَرِكُ ذَنْبًا خَفِيَّةً أَوْ حَيَاءً»^۳، کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند یکی از امور هشتگانه را به دست می‌آورد: یا برادر مؤمنی که در راه خدا به دردش می‌خورد یا مطلبی علمی را می‌آموزد یا آیه‌ای از قرآن می‌شنود یا سخنی که او را هدایت می‌کند یا رحمتی که انتظارش را داشت بر او فروزد می‌آید، یا سخنی که او را از بدی باز دارد، یا گناهی را به جهت خوف [از خدا] یا حیا [از مردم] ترک می‌کند.

بدین لحاظ به آبادکنندگان مسجد چنین مژده داده شده است: «مَنْ بَنَى

۱. رسائل الشيعة، حرّ عاملی، بی‌جا، مکتبه

الاسلامیه، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۸۲.

۲. همان، ص ۴۸۳.

۳. همان، ص ۴۸۰.

مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ يَتَنَفَّسُ فِي الْجَنَّةِ^۱ هر کس، مسجدی بنا کند، خدا برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد.»

نخستین کاری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت انجام داد، بنای مسجد بود. آن حضرت در اوایل هجرت، دو مسجد به دست مبارک خود در مدینه منوره، به نامهای مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد قبا بنا کرد.

مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله به منزله مسجد جامع شهر مدینه بود و در آنجا نماز جمعه به امامت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برگزار می‌شد؛ ولی غیر از این دو مکان مقدس، به زودی ۹ مسجد دیگر در محله‌های قبایل مختلف انصار، به یاری حضرت رسول صلی الله علیه و آله ساخته شد که در آنها با اذان بلال، نماز جماعت اقامه می‌شد.^۲

حرکت علمی در مساجد

عوامل اصلی روی آوردن مسلمانان به فراگیری دانش و شکل‌گیری حرکت علمی در مساجد، روح تعالیم اسلامی بود؛ زیرا اسلام برای آموختن علم، اهمیت زیادی قائل شده است. نخستین آیه قرآن با

«بخوان» شروع می‌شود و در آن بر تعلیم و تعلّم از سوی خدای تعالی تکیه شده است:

﴿أَفْرَأَىٰ بِإِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أَفَرَأَىٰ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾^۳ «بخوان به اسم پروردگارت که خلق کرد، انسان را از خون بسته خلق کرد. بخوان و پروردگارت کریم‌ترین است، آن کسی که بوسیله قلم علم آموخت. به انسان آنچه را که نمی‌دانست، آموخت.» همچنین در سوره زمر آمده است: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۴ «آیا دانایان و نادانان یکسان‌اند.»

خداوند در جای دیگر به رسولش دستور می‌دهد که از خدا فزونی علم را طلب کند: ﴿قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾^۵ «بگو پروردگار من، علم مرا زیاد کن!» پروردگار متعال، در آیه‌ای دیگر،

۱. همان، ص ۴۸۱.

۲. التراتیب الاداریه، عبد الحی الکتانی، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۷ و ۷۸.

۳. علق/ ۱- ۵.

۴. زمر/ ۹.

۵. طه/ ۱۱۴.

فرستاده و پیامبر خود را معلّم انسانها معرفی می‌کند: ﴿هُوَ الَّذِي يَبْعَثُ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾؛^۱ «اوست خدایی که میان مردم امّی و بی‌سواد، پیغمبری از ایشان برانگیخت تا بر آنان، آیات خدا را تلاوت کند و آنها را [از لوث جهل و اخلاق زشت] پاکیزه سازد و کتاب آسمانی و حکمت الهی بیاموزد با آنکه پیش از این، همه در ورطه گمراهی بودند.»

همچنین خدای تعالی به‌طور مستقیم به مردم دستور می‌دهد که دنبال علم بروند و در این راه، رنج سفر را بر خود هموار سازند: ﴿قُلُوا لَا تَقْرَبُوا كَلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةً لَيْسَ تَفْقَهُوا فِی الدِّینِ وَلِیُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ﴾؛^۲ «چرا عده‌ای از میان هر گروه و قبیله‌ای کوچ نمی‌کنند تا تفقه در دین کنند [و احکام شریعت نورانی را فراگیرند] و هنگام برگشتن، قوم خود را انداز کنند [و مردم را به سوی خدا خوانند]. شاید که آنان [از کارهای غیر خدایی] دوری کنند.»

در ارزش علم از نظر قرآن، همین بس که علم، انسان را به خدا نزدیک می‌کند و باعث خوف و خشیت او از آن جناب می‌شود: ﴿إِنَّمَا یَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾؛^۳ «این علماء هستند که در بین بندگان خدا، از او خشیت و ترس دارند.»

احادیث زیادی در تشویق به فراگیری دانش از خاتم انبیاء ﷺ صادر شده است و بخشی از کتابهای حدیثی، شیعه و اهل سنت به روایات مربوط به علم، اختصاص یافته است.

پیامبر اکرم ﷺ در عمل نیز مردم را به این کار ترغیب می‌فرمود. آن حضرت، هنگامی که می‌دید اصحابش حلقه‌های درس و بحث در مسجد تشکیل داده‌اند، کنار آنها می‌نشست و می‌فرمود: «من به این مجالس امر شده‌ام.»^۴

شخصی از اصحاب

۱. جمعه/۲.

۲. توبه/۱۲۲.

۳. فاطر/۲۸.

۴. اسد الغابه، ابن اثیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۷۷.

رسول الله ﷺ به نام «صفوان بن عسال» می‌گوید که از وطن خویش، مسافرت کردم و در مسجد، خدمت پیامبر رسیدم و دیدم آن حضرت به دیوار، تکیه داده و نشسته است. عرض کردم: «ای رسول خدا ﷺ! برای فراگیری علم آمده‌ام.» فرمود: «آفرین بر طالب علم که فرشتگان با بالهایشان او را احاطه می‌کنند.»^۱

حیات علمی مساجد در عصر پیامبر اکرم ﷺ

حیات علمی مساجد در عصر رسول گرامی اسلام ﷺ شکل گرفت. مسجد مدینه، نخستین جایگاهی بود که پس از بعثت خاتم انبیاء ﷺ تعلیم و تعلم در آن صورت گرفت. رسول مکرم اسلام ﷺ نخستین معلم این مدرسه بود.

آن حضرت، افزون بر خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانیهای عمومی، پس از نمازهای جماعت روزانه، در اوقات مختلف در مسجد می‌نشست و اصحاب، حلقه می‌زدند و از ایشان، علم می‌آموختند.

عمرو بن اوس ثقفی می‌گوید:

«همراه هیئت ثقیف، خدمت رسول الله ﷺ رسیدیم و چند روز در مدینه ماندیم و حضرت، شب‌هنگام، نزد ما می‌آمد و با ما سخن می‌گفت.»^۲ ابو رفاعة نقل می‌کند که نخستین بار در مسجد، وقتی خاتم رسولان ﷺ بالای منبر بود و خطبه می‌خواند، خدمتش رسیدم. همان جا گفتم: «ای رسول خدا ﷺ! مردی غریب هستم که چیزی از مسائل دین نمی‌دانم.» پیامبر در این حال، از منبر پایین آمد و بر چهارپایه‌ای نشست و هرچه می‌خواستم به من آموخت و دوباره به منبر برگشت.^۳

رسول خاتم نبیین ﷺ مواظب اعمال مردم بود و اگر اعمال را غلط به جای می‌آوردند، صحیح آن را به آنان می‌آموخت؛ برای مثال، شخصی به مسجد آمد و نمازش را خواند. پیامبر اکرم ﷺ گوشه‌ای نشسته بود و او را زیر نظر داشت. وقتی وی از نماز فارغ شد، خدمت پیامبر رسید. حضرت

۱. اسد الغابه، ج ۳، ص ۲۴.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۹۵.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۹۳.

فرمود: «برگرد و دوباره نمازت را بخوان.» آن شخص گفت: «ای رسول خدا! من همین گونه یاد گرفته‌ام. شما یادم بدهید.» حضرت رسول ﷺ هم نماز را به او آموخت.^۱

شاگردان و محصلان این مدرسه مبارک، اصحاب پیامبر بودند و طبق برنامه‌ای که داشتند، از آن حضرت کسب فیض می‌کردند. زنان مسلمان هم از رسول اکرم ﷺ خواستند که روزی را برای آنها اختصاص دهد. پیامبر اعظم ﷺ پذیرفت و آنان در روز موعود، خدمت آن حضرت می‌رسیدند و احکام را فرا می‌گرفتند.^۲

این مدرسه، یک عده محصل دائمی داشت که همیشه در مسجد بودند. اینان همان اصحاب صفه بودند؛ مسلمانانی فقیر و بدون مسکن که رسول خدا ﷺ سیابانی در کنار مسجد برای آنها بنا کرده بود و آنجا زندگی می‌کردند. سلمان و ابوذر هم، جزء اینان بودند.

پیامبر اکرم ﷺ پس از اقامه نماز صبح، به ستون توبه تکیه می‌داد و اهل صفه، اطرافش جمع می‌شدند و

حضرت، آیاتی را که شب نازل شده بود، بر آنها می‌خواند. سپس به پرسش آنان جواب می‌داد و به درس و بحث با آنها می‌پرداخت.

هنگامی که اشراف و ثروتمندان می‌آمدند و این افراد را گرد پیامبر ﷺ می‌دیدند، نمی‌نشستند. آنان، خود را با تهیدستان هم‌شان نمی‌دانستند. سرانجام، ایشان از آن حضرت خواستند، نیازمندان را از اطراف خود پراکنده سازد تا اغنیا، همنشین پیامبر باشند. در آن هنگام بود که خدای تعالی این آیه را نازل فرمود:

«لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ»؛ «کسانی را که خدای خود را صبحگاهان و شامگاهان می‌خوانند و طالب رضایت او هستند، طرد نکن.»^۳

اصحاب، خیلی سعی داشتند که

۱. اسد الغابه، ج ۶، ص ۳۷۶.

۲. المسدنة النبوية فجر الاسلام والعصر الراشدي، محمد محمد حسن شراب، دمشق، دار القلم، ج ۱، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

۳. وفاء الوفاء باخبار دار المصطفى، سمهودی، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۴۴ و ۴۴۵.

جواب می داد و اگر ساکت می شدم، خود شروع به سخن می کرد.^۲

پیامبر اکرم ﷺ اصحاب خود را تشویق می کرد و می فرمود: «احکام دین را از یکدیگر بیاموزید.» روزی بالای منبر فرمود: «چرا برخی مردم که احکام دین را نمی دانند، از همسایگانشان نمی آموزند؟»^۳ نیز می فرمود: «تا ندانید و احکام اسلام را فرا نگیرید، خدا به شما پاداش نمی دهد.»^۴

همچنین آن حضرت از اینکه کسی حکمی از احکام را بداند و به مردم نیاموزد، نهی می کرد و می فرمود: «اگر از انسان، مسئله ای را بپرسند و او بداند و جواب ندهد، خدا در روز قیامت به او افساری از آتش می زند.»^۵

حضور در مجالس درس پیامبر ﷺ را از دست ندهند. اگر کسب و کار مانع می شد و نمی توانستند هر روز خدمت آن حضرت برسند، دو نفر به نوبت در حلقه درس حضرت رسول ﷺ حاضر می شدند و آنکه حاضر بود، مسائل و مطالب مطرح شده را به رفیق خود می رساند.

یکی از مهاجران نقل می کند که در منطقه عوالی مدینه مسکن داشته است و آن منطقه، از مسجد النبی ﷺ دور بوده و هر روز نمی توانسته خدمت رسول خدا ﷺ شرفیاب شود؛ از اینرو، با همسایه خود از انصار قرار می گذارد که هر روز یکی از آنها خدمت آن جناب برسند و فرموده های آن حضرت را به دیگری نقل کنند.^۱

امیر مؤمنان، علی ﷺ می فرمود: «هیچ آیه ای نازل نشد؛ مگر اینکه من می دانم از کجا و در باره چه کسی و یا چه چیزی نازل شده است.» از علی ﷺ پرسیدند: «چرا شما بیش تر از همه اصحاب از پیامبر ﷺ حدیث نقل می کنید.» فرمود: «چون هرگاه من از رسول خدا ﷺ می پرسیدم، به من

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۱.

۲. الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت للطباعة والنشر، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۱ و ۳۵۲.

۳. المدینه النبویه فجر الاسلام والعصر الراشدی، ج ۱، ص ۲۱۸.

۴. فاتحه العلوم، غزالی، قاهره، مطبعة الخانجی، بی تا، ص ۱۹.

۵. مجتمع المدینه فی عهد الرسول ﷺ، عبد الله عبد العزيز بن ادریس، ریاض، جامعه الملك سعود، بی تا، ص ۲۲۹.

اصحاب، سعی بلیغی در فراگیری قرآن و احکام داشتند. عبد الله بن مسعود می گوید: «هفتاد سوره از زبان رسول الله ﷺ آموختم»^۱ انصار در این باره از دیگران جلوتر بودند. عده ای از آنها در همان عصر پیامبر اکرم ﷺ قرآن را جمع کرده بودند. اشخاصی چون: ابی بن کعب، ابوزید قیس بن السکن، عبادة بن صامت، جابر بن عبد الله انصاری و عبد الله بن رواحه در فراگیری قرآن و آموزش دیگران زیاد می کوشیدند.

عبد الله بن رواحه پس از اینکه حضرت رسول ﷺ از مسجد خارج می شد و به خانه خود می رفت، به جای آن حضرت می نشست و به تعلیم مردم می پرداخت.

پیامبر، بعضی اوقات به حلقه درس آنها می آمد و آنان ساکت می شدند؛ ولی حضرت می فرمود که ادامه دهید.^۲ عبادة بن صامت برای کسانی که تازه اسلام می آوردند و به مدینه می آمدند، احکام اسلام را آموزش می داد.^۳

ابو ثعلبه خشنی نقل می کند که

اسلام آوردم و خدمت خاتم انبیاء ﷺ رسیدم و عرض کردم: «ای رسول خدا ﷺ! مرا به فردی بسپار که بتواند خوب از عهده تعلیم من برآید.» آن حضرت، مرا به ابو عبیده جراح سپرد و فرمود: «تو را به کسی واگذاردم که خوب بتواند از عهده تعلیم و تأدیبت برآید.»^۴

در همان عصر رسول خدا ﷺ اشخاصی در تعلیم و تدریس برجسته شدند که اینان در سایر مساجد مدینه، حلقات و جلسات درس داشتند و شریعت مقدس را به مردم می آموختند و پیامبر اکرم ﷺ از میان این اشخاص، مبلغان و معلمانی به سایر مناطق می فرستاد که غالباً جوان بودند.

قبایل جزیره العرب به تدریج به اسلام روی می آوردند. گاهی رسول اکرم ﷺ یکی از یاران عالمش را برای تعلیم احکام دین به سوی آنها

۱. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲. الترتیب الاداریه، ج ۲، ص ۲۲۱.

۳. المدینه النبویه فجر الاسلام والعصر

الراشدی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۴. همان، ص ۲۱۷.

چيست؟^۲

گسترش حیات علمی مساجد، پس

از رحلت پیامبر ﷺ

عده‌ای از اصحاب از عهد رسول خدا ﷺ به آموزش، علاقه نشان داده و در آن تبخّر یافته بودند. بعد از رحلت آن حضرت، دسته‌ای از یاران مخلص پیامبر ﷺ، هم خود را بر تعلیم شریعت اسلام و ترویج احکام، مصروف داشتند. اینان در مسجد مدینه می‌نشستند و مردم را در امور دینی، راهنمایی و ارشاد می‌کردند.

به‌ویژه اصحاب جوان رسول خدا ﷺ مانند: ابن عباس، جابر بن عبد الله انصاری، انس بن مالک، براء بن غازب، ابی بن کعب، معاذ بن جبل، عبد الله بن عمرو و ابو سعید خدری در کار تعلیم برجسته شدند. این افراد با وجود منع تدوین حدیث از سوی خلیفه دوم، عمر، با روحیه‌ای قوی به جمع‌آوری احادیث پیامبر پرداختند و در این راه، زحمات زیادی بر خود

می‌فرستاد؛ چنان‌که یک بار علی علیه السلام و بار دیگر هم معاذ بن جبل را به یمن فرستاد. همچنین معاذ را پیش از جنگ حنین برای آموزش قرآن و تعلیم احکام در مکه گذاشت؛ در حالی که عتاب بن اسید را به عنوان امیر مکه نصب کرده بود.^۱

البته بیش‌تر اهل قبایل و طوایف مسلمان، اشخاصی را از میان خود خدمت پیامبر اسلام ﷺ می‌فرستادند. آنان احکام دین را می‌آموختند و بعد از برگشتن به قبیله خودشان، امامت جماعت را به عهده می‌گرفتند و جلسه درس تشکیل می‌دادند.

حتی آنان، گاهی برای حلّ یک مسئله، رنج سفر را از راه دور بر خود هموار می‌کردند و خدمت رسول خدا ﷺ می‌رسیدند و جواب آن را دریافت می‌کردند؛ مانند جریان عقبه بن حارث که بخاری نقل می‌کند وقتی آگاه شد که زنی به او و همسرش شیر داده است، بی‌درنگ از مکه به مدینه آمد و از خاتم انبیا ﷺ پرسید که نمی‌دانسته با همسرش برادر رضاعی بوده است و اکنون وظیفه‌اش

۱. التراتیب الاداریه، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. المدینه النبویه فجر الاسلام والعصر الراشدی، ج ۱، ص ۲۳۶.

هموار ساختند.

جابر برای به دست آوردن حدیثی که خود از پیامبر نشنیده بود، یک ماه، رنج سفر را تحمل کرد و به مصر رفت. او در بازگشت، پیش از رفتن به خانه، به مسجد رفت و آن حدیث را برای مردم خواند و آن‌گاه به خانه خود رفت.^۱

ابن عباس می‌رفت و بیرون خانه کسانی که از فرستاده خدا علیه السلام حدیث حفظ داشتند، می‌نشست تا اینکه آن شخص از خانه بیرون می‌آمد. آن‌گاه ابن عباس، آن حدیث را می‌شنید و برمی‌گشت.

بدین ترتیب، اینان علاوه بر احادیثی که خود شنیده بودند، روایاتی را هم که نشنیده بودند از دیگران می‌آموختند. با گذشت زمان و دوری مردم از عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تغییر نسل، به وجود این اشخاص، نیاز زیادی احساس می‌شد.

جلسات درس پررونقی در مسجد النبی صلی الله علیه و آله تشکیل می‌شد و مردم در رشته‌های مختلف علمی از آنان استفاده می‌کردند. روزی ابن عباس در

باره فقه سخن می‌گفت و روزی دیگر در باره جنگهای پیامبر و بعضی اوقات در باره شعر و روزی را هم به تاریخ و ایام عرب اختصاص می‌داد. مسلمانان از نقاط دور می‌آمدند و حلال و حرامشان را از او می‌پرسیدند.^۲ جابر بن عبد الله انصاری هم در مسجد پیامبر جلسه داشته است.^۳

در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله به طور همزمان، جلسات متعدد درس برگزار می‌شد؛ چنان‌که جندب بن عبد الله بجلی می‌گوید که برای فراگیری علم به مدینه آمدم و وارد مسجد النبی صلی الله علیه و آله شدم و حلقات متعدد درس را دیدم و از کنارشان می‌گذشتم تا اینکه به جلسه مردی لاغر اندام رسیدم و پای درس او نشستم و پرسیدم: «کیست؟» گفتند: «ابی بن کعب است.»^۴

پس از عصر صحابه، نوبت به تابعین رسید. از میان آنان، عالمان و

۱. حیاة الصحابه، کاندهلوی، بیروت، دار المعرفه، دوم، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۴.
۲. الاغانی، ابو الفرج اصفهانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱، ص ۷۶.
۳. التراتیب الاداریه، ج ۲، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.
۴. الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۸۰.

درخشان‌ترین دوره‌های تعلیمات مسجدی است. در آن دوران، جلسات علمی در مساجد برگزار می‌شد و عالمان و فقهای بنام، مانند صاحبان مذاهب اربعه، درشان را در آنجا دایر می‌کردند.

مسجد، تنها دانشگاه عمومی بود و در آن، انواع علوم رایج اعمّ دینی و غیردینی تدریس می‌شد؛ البته جز مکتب‌خانه‌ها که برای آموزش قرآن و تعلیم خط به اطفال اختصاص داشت و به اساتید آنجا معلم می‌گفتند. تذکر این نکته لازم است که در کلیه مساجد آباد در قلمرو گسترده اسلامی، آموزش و تعلیم رواج نداشت و این امر، تنها در دسته‌ای از مساجد بود که به سبب اوضاع و شرایط محلی، فرهنگی، مذهبی یا عوامل دیگر، برتری داشتند. به‌طور کلی تا عصر سلجوقیان و تأسیس مدارس نظامیه، مساجد، تنها مراکز آموزش عالی در جهان اسلام

صاحبان رأی و نظر پدید آمدند که علم خود را از صحابه اخذ کرده بودند؛ مانند سعید بن مسیب که از اشخاصی مانند علی علیه السلام، سعد بن ابی وقاص، زید بن ثابت، ابن عباس، ابن عمر، ام سلمه، عثمان و محمد بن مسلمه استفاده کرده بود. خود او می‌گوید که شب و روزش را برای یافتن حدیث صرف کرده است.

فردی به نام میمون بن مهران نقل می‌کند: «به مدینه آمدم و شخصی فقیه را جويا شدم. سعید بن مسیب را به من نشان دادند. رفتم و سؤالاتم را از او پرسیدم.^۱ نمونه دیگری، ربیعۃ الراي بود. وی که از تابعین مشهور، محسوب می‌شد، در مسجد النبی صلی الله علیه و آله نشست علمی داشت و حلقه انبوه طالبان علم، گرد وی تشکیل می‌شد.^۲ بدین سان، تدریس در مسجد ادامه یافت تا اینکه وارد قرن دوم هجری می‌شویم.

در اوایل این قرن، تحولی از لحاظ گسترش در زمینه علمی مشاهده می‌کنیم. می‌توان گفت فاصله زمانی آغاز سده دوم تا پایان سده سوم، از

۱. همان، ج ۵، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۲. تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، عبد الرحیم غنیمه، ترجمه دکتر نور الله کسائی، انتشارات بزدان، بی‌تا، ص ۵۳.

بود. برخی از مساجد، جایگاه بالایی در امر آموزشی یافته و به عنوان مهم‌ترین مراکز علمی شهرت یافته بودند؛ چنان‌که آدامتز می‌گوید: «مقدسی در مسجد جامع قاهره، صد و بیست حلقه درس شبانه برشمرده است. جامع منصور، مهم‌ترین مسجد بغداد، مشهورترین مدرسه در ممالک اسلامی بود.»^۱

مشارکت ائمه اطهار در حیات

علمی مساجد

مشارکت امامان معصوم علیهم‌السلام در حیات علمی و فرهنگی مساجد، بیشتر از همه مکاتب کلامی و مذاهب فقهی است؛ بذر آن را رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کاشت، آن‌گاه که فرمود: «من در میان شما دو چیز ارزشمند به جای می‌گذارم: یکی کتاب خدا، قرآن و دیگری عترت و اهل بیت.»

رئیس مذهب تشیع، امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام نخستین مسلمان و در دامن پیامبر تربیت یافت و در بیت رسالت رشد کرد. وی در سفر و حضر، حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را همراهی می‌کرد و از ایشان، جدا نمی‌شد و حافظ و

کاتب قرآن بود. آیه‌ای نبود که او نداند که در سفر یا حضر، در باره چه کسی و چه چیزی نازل شده است. وقتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن جناب را برای قضاوت به سوی یمن اعزام می‌کرد، در باره‌اش چنین دعا کرد: «بار خدایا! قلبش را هدایت کن و زبانش را ثابت فرما.»^۲

روایت «أَفْضَاكُم عَلَيَّ» از طریق عامه و خاصه نقل شده است. قضاء، همان فقه است.^۳

همچنین شهر علم، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود و دروازه‌اش علی علیه‌السلام. صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانستند که هر گاه طالب علم رسالت و نبوت باشند، باید از درس وارد شوند که همان درک محضر علی علیه‌السلام است.^۴ خدای تعالی دستور می‌دهد وقتی خواستید وارد خانه‌ای شوید از درس در آید.^۵

۱. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراکزلو، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، دوم، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۰۷.
۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸.
۳. همان.

۴. اشاره به حدیث نبوی «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيْنَ بَابُهَا».

۵. بقره/۱۸۹: «... وَلِكُلِّ الْبَرِّ مِنْ أَثَمِي وَأَتُوا النَّبُوتَ

امام علی علیه السلام مسائل پیچیده را حل می کرد و گره مشکلات را می گشود. عمر گفت: «خدا روزی را نیاورد که معضلی پیش بیاید و ابو الحسن نباشد.»^۱ در بیش تر این موارد، آبروی اسلام حفظ می شد. بدین سبب، عمر در زمان خلافتش می گفت: «هر گاه علی علیه السلام در مسجد است، کسی جز وی حق فتوا ندارد.»

ابن ابی الحدید منشأ اکثر علوم، چون: کلام، فقه، تفسیر، علم طریقت و ادبیات را علی علیه السلام می داند و درباره جایگاه فقهی امیر مؤمنان می گوید که فقههای صحابه، عبارت از عمر بن خطاب و ابن عباس بودند که این دو نفر، علمشان را از علی علیه السلام فرا گرفته بودند. درباره عباس روشن است که او به طور رسمی شاگرد آن حضرت بود؛ اما درباره عمر [باید گفت که] او در بسیاری از مسائل و مشکلات به آن حضرت رجوع می کرد و بارها و بارها گفته است: «لَوْلَا عَلِيٌّ لَهْلَكَ عُمَرُ؛ اگر علی نبود عمر هلاک می شد.»^۲

همچنین ابن ابی الحدید، مدعی است که قرائت تمام ائمه قراء به نحوی

به امام علی علیه السلام باز می گردد؛ مانند: ابو عمرو بن العلاء و عاصم بن ابی النجود که این دو از ابو عبد الرحمن سلمی قرائت را آموختند و ابو عبد الرحمن از شاگردان حضرت امیر علیه السلام به شمار می آمد.^۳

بدین سان امیر مؤمنان اگر چه از سیاست کنار زده شد و جایگاهش غصب گردید؛ ولی از نظر علمی تا حدی جایگاه خود را حفظ کرد و محل رجوع اصحاب پیامبر بود و شهرتش به میان تازه مسلمانان راه یافته بود؛ بدین سبب دوستدارانی در میان آنان پیدا کرده بود که بعدها یاران ایشان را تشکیل دادند؛ به ویژه در میان قبایل یمانی الاصل که بیشتر ساکن کوفه و بصره بودند.

پس از امام علی علیه السلام امام حسن علیه السلام به سرنوشت پدر بزرگوارش دچار شد با این فرق که او وضع را مناسب ندید و خود از صحنه سیاست کناره گرفت؛

من أنبأ بها... ❖

۱. شرح نهج البلاغه، همان.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۸.

۳. همان، ص ۲۷.

ولی راه و روش جدّ گرانقدر و پدر گرامی اش را در تعلیم و تعلّم مردم ادامه داد و نگذاشت حرکت علمی رسول اکرم ﷺ و علی ﷺ متوقف شود.

از گزارشی که یکی از قریش از حال امام مجتبی ﷺ برای معاویه می فرستد، این مطلب به خوبی فهمیده می شود. در گزارش چنین آمده است: «حسن، وقتی نماز صبح را در مسجد النبی ﷺ به جای می آورد تا طلوع آفتاب، مشغول ذکر می شود. آن گاه به یکی از ستونهای مسجد تکیه می دهد و می نشیند. هر کس در مسجد باشد می آید و از دانش وی استفاده می کند تا اینکه آفتاب بالا می آید. پس او بر می خیزد، دو رکعت نماز می خواند، به خانه های همسران پیامبر ﷺ می رود و احوال آنان را جویا می شود. سپس به منزل خود رهسپار می شود. دوباره هنگام عصر به مسجد می رود و برنامه نماز و رجوع مردم به او تکرار می شود.»^۱

پس از شهادت امام مجتبی ﷺ قدرت و شوکت بنی امیه فرونی یافت

و به حدّی رسید که توانستند فرزندان فاطمه ﷺ و جگرگوشه پیامبر (امام حسین ﷺ) را به شهادت رسانده، خاندانش را به اسیری ببرند.

همچنین سفاکانی چون: ابن زیاد، مسلم بن عقبه و حجاج بن یوسف بر جان و مال مردم مسلط شدند. آنان، شیعیان و پیروان اهل بیت ﷺ را بدون هیچ معطلی می کشتند و اجازه هیچ گونه فعالیت و حرکتی را نمی دادند؛ به گونه ای که کسی جرئت نمی کرد، در حلقه درس امام سجاده و امام باقر ﷺ حاضر شود.

آن افراد سفاک، کنترل شدیدی بر حجاز، به ویژه مدینه داشتند و جمعیت زیادی از بنی امیه را در مدینه ساکن کرده بودند که تنها مردانشان به هزار نفر می رسیدند. این امر، باعث شده بود که شیعیان از آنجا دور شوند و در عراق و جاهای دیگر به سر برند؛ چنان که امام زین العابدین ﷺ می فرماید: «در مکه و

۱. انساب الاشراف، بلاذری، تحقیق: شیخ محمدباقر محمودی، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، بی تا، ج ۳، ص ۲۱.

مدینه، بیست تن دوستدار ما نبودند.^۱ بعد از شهادت امام حسین علیه السلام جز عده‌ای اندک (چهار نفر) کنار امام چهارم نماندند که عبارت بودند از: ابو خالد کابلی، یحیی بن امّ طویل، سعید بن مسیب مخزومی و حکیم بن جبیر.^۲ این چنین بر ائمه اطهار علیهم السلام تنگ می‌گرفتند؛ حتی امام باقر علیه السلام را به شام جلب کردند و در راه هم، مردم را از ارتباط با ایشان بر حذر می‌داشتند. جو فشار و خفقان ادامه داشت تا اینکه خدای تعالی بنی امیه را به قیامهای علویان و عباسیان مبتلا کرد و توجهشان را از ائمه اطهار علیهم السلام به جای دیگری معطوف ساخت. در برهه‌ای که امویان و عباسیان، مشغول نزاع و درگیری با هم بودند که مقداری از عصر امام باقر علیه السلام و عصر امام صادق علیه السلام را شامل می‌شد، شیعه، نفس راحتی کشید. این دو امام نیز توانستند جلسات علمی اجدادشان را دوباره زنده کنند و فقها و محدثانی به جامعه تحویل دهند.

مسلمانان در این زمان، بدون ترس در حلقه درس آنان حاضر

می‌شدند و مسائل خود را مطرح می‌کردند. ابو حمزه ثمالی می‌گوید که در مسجد النبی صلی الله علیه و آله نشسته بودم. مردی وارد شد، سلام کرد و از من پرسید: «کیستی؟» گفتم: «از اهل کوفه‌ام.» پرسید: «ابو جعفر، محمد بن علی را می‌شناسی؟» گفتم: «آری با او چه کار داری؟» مرد گفت: «چهل مسئله آماده کرده‌ام تا از وی بپرسم.» سخن مرد تمام نشده بود که حضرت باقر علیه السلام وارد شد که اطرافش عده‌ای از اهل خراسان بودند و از مناسک حج می‌پرسیدند تا اینکه نشست و درشش را شروع کرد.^۳

جلسات درس حضرت باقر علیه السلام علاوه بر مدینه و مسجد النبی صلی الله علیه و آله در مکه و مسجد الحرام هم تشکیل می‌شد؛ چنان‌که ابو بصیر می‌گوید که ابو جعفر علیه السلام با عده‌ای از شاگردان و یاران خود در مسجد الحرام نشسته و به درس و بحث مشغول

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بی‌جا،

مکتبه الاسلامیه، بی‌تا، ج ۴۵، ص ۱۴۳.

۲. همان، ص ۱۴۴.

۳. همان، ص ۳۷۵.

بودند که طاووس یمانی با عده‌ای آمد و پرسید: «استاد جلسه کیست؟» گفتند: «محمد بن علی علیه السلام». طاووس گفت: «من هم او را می‌خواهم.»^۱

در زمان امام ششم علیه السلام، اطراف امام جعفر صادق علیه السلام به حدی شلوغ شد که شاگردان آن حضرت به چهار هزار تن رسیدند و دانشمندانی از میان آنها رشد کردند؛ مانند ابان بن تغلب که در مسجد النبی صلی الله علیه و آله حلقه درس داشت. هنگامی که وی وارد مسجد می‌شد، ستونی را که پیامبر به آن تکیه می‌داد، برای او خالی می‌کردند. امام جعفر بن محمد علیه السلام به ابان فرمود: «در مسجد مدینه بنشین و به مردم فتوا بده؛ چون دوست می‌دارم که در میان شیعیان من، مثل تو دیده شود.»^۲

ابان به حدیث و مسائل فقهی به حدی احاطه داشت که به مردم، طبق مکتبشان جواب می‌گفت و آرای مختلف را ذکر و آن‌گاه نظر ائمه اطهار را با ادله‌اش بیان می‌کرد.^۳

معاذ بن مسلم نحوی می‌گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمود: «به من خبر داده‌اند که تو در مسجد جامع

می‌نشینی و برای مردم فتوا می‌دهی.» گفتم: «آری و پیش از اینکه بروم می‌خواستم نظر شما را در این باره جویا شوم. من در مسجد می‌نشینم، شخصی می‌آید و از من سؤالی می‌کند، اگر بدانم که او از مخالفان شماسست به آنچه عمل می‌کند، جواب می‌دهم و اگر بدانم که از دوستان شماسست، نظر شما را به او ابلاغ می‌کنم و اگر کسی را نشناسم، اقوال دیگران را می‌گویم و رأی شما را در آن می‌گنجانم.» در این هنگام حضرت فرمود: «به این کار ادامه بده که من هم همین‌گونه عمل می‌کنم.»^۴

امام باقر و امام صادق علیه السلام به کسانی که چنین قدرت و استعدادی داشتند و می‌توانستند در میان دشمنان و مخالفان اهل بیت، چنین رفتار کنند، اجازه فتوا و تدریس می‌دادند و اگر نمی‌توانستند، آنان را از فتوا دادن و

۱. همان، ص ۳۵۵.

۲. الامام الصادق والمذاهب الاربعة، اسد حیدر، بی‌جا، دار الکتب العربیة، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۵-۵۷.

۳. رجال کشی، شیخ طوسی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲۲.

۴. همان، ص ۵۲۴.

تدریس منع می کردند.

ابو خالد کابلی می گوید که ابو جعفر، مؤمن طاق را دیدم که در مسجد النبی ﷺ نشسته است و مردم مدینه دورش حلقه زده اند و از او سؤال می کنند و وی جواب می دهد. نزدیکش رفتم و گفتم: «ابو عبد الله ﷺ از بحث با مردم نهی کرده است.» وی پرسید: «آیا به تو فرموده است که این را به من هم بگویی؟» گفتم: «نه؛ ولی به من دستور داده است با کسی حرف نزنم.» در این هنگام مؤمن طاق گفت: «پس برو و به دستور عمل کن.»

بعد از آن، خدمت حضرت صادق ﷺ رسیدم و برخوردیم را با مؤمن طاق با ایشان در میان گذاشتم. امام ﷺ لبخندی زد و فرمود: «او سخن آنها را نقض می کند و می تواند خود را از تنگنا بیرون آورد؛ ولی تو نمی توانی این گونه عمل بکنی.»

اصحاب ائمه اطهار ﷺ علاوه بر مسجد النبی ﷺ، در مساجد سایر شهرها نیز جلسه های درس و بحث تشکیل دادند و به ترویج آرای مکتب تشیع پرداختند. یکی از مهم ترین

محافل علمی پیروان اهل بیت ﷺ مسجد کوفه بود. مسلمانان در سال ۱۷ هجری، شهر کوفه را بنا کردند و از همان ابتدا، هشتاد نفر از صحابه پیامبر در آنجا استقرار یافتند.^۱

سپس، افرادی چون عبد الله بن مسعود در مسجد کوفه به آموزش قرآن پرداختند و این مسجد، کانون درس و بحث قرآن و فقه شد.

پس از هجرت امیر مؤمنان ﷺ به کوفه، این شهر، محل تجمع شیعیان و دوستان اهل بیت ﷺ و مسجد کوفه، کانون آموزش فقه شیعه شد؛ به ویژه در زمان گسترش علوم در عصر امام صادق ﷺ که آن حضرت در زمان نخستین خلیفه عباسی، مدتی در هاشمیه و کوفه به سر بردند.

حتی ابو حنیفه نیز در این مدت از محضر آن حضرت سود جسته است و سخن معروفش «لَوْلَا السَّتَّانُ لَهْلَكَ الثُّغْمَانُ» اگر آن دو سال (درک محضر ابو عبد الله ﷺ) نبود نعمان (ابو حنیفه) هلاک می شد، مربوط به همین زمان است.

۱. تاریخ یعقوبی، یعقوبی، بی جا، منشورات الشریف الرضی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۰.

پس از این، شاگردان حضرت جعفر بن محمد علیه السلام در کوفه پراکنده شدند که تنها از آل اعین ۶۰ نفر، راوی حدیث بودند و محله بنی سعد بن همام از آنی آنها بود. آنان در مسجد آن محل، نماز می خواندند و حدیث می گفتند؛^۱ حتی امام صادق علیه السلام مسئله تدریس را در آنجا کنترل می کرد. احمد بن فضل کناسی در این باره می گوید که امام جعفر بن محمد علیه السلام به من فرمود: «به من خبر رسیده است که شما قاضی را در کناسه ساکن کرده اید.» گفتم: «آری، فدایت شوم. همین گونه است که می فرمایید و نامش عروة القنات است. وی شخصی عاقل است و پای درس او می نشینیم و از او سؤال می کنیم و او به شما ارجاع می دهد.» حضرت فرمود: «خوب است.»

مکتب اهل بیت علیهم السلام به حدی در کوفه رونق گرفت که حسن بن علی بن زیاد و شاء از شاگردان امام رضا علیه السلام می گوید: «در مسجد کوفه نهصد نفر، استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد علیه السلام حدیث نقل می کردند.»

بعد از اینکه کوفه از رونق افتاد، بغداد محل تجمع شیعیان قرار گرفت

و مرکز علمی تشیع به آنجا انتقال یافت. این مطلب در عصر آل بویه به اوج خود رسید و عالمانی، چون: شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی، زعامت علمی و دینی شیعیان را بر عهده داشتند؛ به ویژه مسجد جامع «براثا» به آنان اختصاص داشت.

شیخ طوسی بر اثر بدرفتاری اهل تسنن، کرسی تدریس خود را به نجف اشرف انتقال داد و در جوار بارگاه مقدس امیر مؤمنان علیه السلام به درس و بحث پرداخت. این مکان تاکنون مرکز علمی و دینی است و در طول سالها و قرون متوالی، فقیهان و دانشمندان بسیاری به جامعه تشیع تحویل داده است.

آنچه بیان شد، مختصری از نقش مسجد در حیات علمی جامعه اسلامی تا قرن چهارم هجری بود. امید آنکه باری دیگر مسلمانان به این جایگاه ارزشمند مساجد توجه کنند و این مکان مقدس را به بهترین وجه و با بیشترین ظرفیت به جایگاه علم و معرفت در کنار بندگی و عبادت متعارف، تبدیل نمایند.

۱. تاریخ الکوفه، البراقی النجفی، بیروت، دار الاضواء، بی تا، ص ۴۱۴.